



رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، نمایندگان کشورهای اسلامی واقشار مختلف مردم:

انقلاب اسلامی ثمره اجابت دعوت بعثت است

رهبر انقلاب با عفویا تخفیف و تبدیل مجازات ۲۸۲۷ نفر از محکومان محاکم موافقت کردند

صفحه ۲



شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ • ۲۹ رجب ۱۴۴۵ • ۱۰ فوریه ۲۰۲۴ • سال سیست ویکم • شماره ۴۷۶۹ • ۸ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

رئییسی: تنها راه حل مشکلات تکیه بر اراده داخلی است

رئیس دولت سیزدهم گفت: تنها راه حل مشکلات، تکیه بر اراده داخلی است و دولت برای حل مسائل کشور نگاهی به دست بیگانگان ندارد.

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: ۳ مدال برنز دختر وزنه‌بردار ایران در قهرمانی آسیا | دلیل بی‌طرفی عربستان در بحران دریای سرخ؛ دلخوری از آمریکا یا فرار از بحران؟ | زلزله در انتظار تیم ملی ایران؛ نسلی که به نقطه پایان رسید؟

سرمقاله

منازعه پارادایم‌ها



احمد غلامی

اگر جامعه کنونی دچار بحران باشد، پس ناگزیر باید شاهد تغییر پارادایم باشیم؛ چراکه به تعبیر هانس بلومنبرگ، پارادایم‌ها در بحران تغییر می‌کنند. این تغییر پارادایم گاه می‌تواند دوران ساز باشد و زمانی چنین خواهد شد که جامعه با مقاومتی جدی از سوی دولت و نهادهای مستقر روبه‌رو نشود. اما شرایط کنونی این‌گونه نیست؛ دولت‌ها و نهادهای موجود که از تغییرات بنیادی متضرر می‌شوند، دست به مقاومت زده و نمی‌گذارند وضعیت بحرانی پارادایم نویی را خلق کند. در چنین شرایطی جامعه از بحرانی به بحران دیگر فرومی‌گلدند. پارادایم سابق از سکه افتاده و پارادایم نو نیز چون اثرگذاری ندارد و قادر نیست به ناخودآگاه اجتماعی سازمان و برنامه بدهد، امتیزه شده و توان خود را از دست می‌دهد. اگر پارادایم سابق را A و پارادایم ناقص متولدشده را B فرض کنیم، فضای بین این دو پارادایم مستعد رشد هر اندیشه عقلانی و غیرعقلانی است. البته درباره این تعبیر عقلانی و غیرعقلانی اندکی باید تأمل کرد؛ چراکه به تعبیر بهمن بازرگانی (نقل به مضمون)، عقلانی‌بودن و غیرعقلانی‌بودن در دوره تغییر پارادایم به خود پارادایم بستگی دارد. یعنی در یک موقعیت ما دست به کارهای غیرعقلانی می‌زنیم که در آن پارادایم کاملاً عقلانی به نظر می‌رسند. زمانی تغییر پارادایمی صورت خواهد گرفت که امر سیاسی به امر اجتماعی گره بخورد. در این وضعیت توان سیاسی و اجتماعی افزایش خواهد یافت و جامعه آماده تغییرات اساسی خواهد بود. اگر بخواهیم نمونه‌ای از گذشته‌ای نه‌چندان دور شاهد بیاوریم، سال ۱۳۷۶ و ماه‌های آغازین خرداد و انتخابات ریاست‌جمهوری بهترین نمونه است. در این دوران بود که مردم به اقتصاد بازار و سوداگری اجتماعی نه گفتند، تا از وضعیتی غیرعادلانه دولت وقت و بازار برای آنان رقم زده بود، به جامعه‌ای عادلانه با رویکردهای فرهنگی تغییر الگو بدهند. تغییر پارادایم از دولت هاشمی به دولت محمد خاتمی چندان دشوار نبود. دشواری از آنجایی ناشی شده بود که دولت هاشمی نتوانست در گذر از نقطه A تا B فضای موجود را به تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی درگون سازد. دولت‌هایی با ریاست شخصیت‌های روحانی همچون دولت هاشمی، خاتمی، روحانی و رئیسی قادر به تغییرات رادیکال نیستند؛ چراکه آنان دل‌بسته سنت و وابسته به طبقه (کاستی) هستند که محافظه‌کاری در آنها نهاده‌ین شده است، حتی محافظه‌کاری این روحانیون از جنس محافظه‌کاری چهره‌های سیاسی با رؤسای جمهور غیرروحانی نیست. محافظه‌کاری این روحانیون از سیاستی نشئت می‌گیرد که در بن‌مایه اندیشه آنان آرمان‌شهری زمینی وجود ندارد و آنان بیش از هر چیز به حفظ و ارتقای وضع موجود بسنده می‌کنند. اگرچه هاشمی‌رفسنجانی در این زمینه با دیگر روحانیون تفاوت داشت. این تفاوت به‌گونه‌ای نبود که بتواند تغییر پارادایمی را به وجود آورد تا او را به سرمنزل مقصود برسانند. هاشمی تنها نتوانست اقتصاد بازار را به معنای واقعی ممکن سازد، بلکه نتوانست نیروهایی را که مانع و مقاومتی دائمی در برابر پارادایم‌های تغییر بودند، از کار ببنداد. در تغییر الگویی که هاشمی‌رفسنجانی از نقطه A به B در نظر گرفته بود، فضایی وجود داشت که با چهره‌های سیاسی انقلابی، نظامی و امنیتی پر شده بود. رئیس‌جمهور تلاش کرد با اختصاص و توزیع رانت حاصله از فروش نفت بین آنان و نهادهای زیرنظرشان همدلی به وجود آورده تا بتواند تغییرات اساسی خود را پیش ببرد. این عملکرد به نتیجه دلخواهی نرسید و این چهره‌ها و نهاده‌ها چنان مقتدر شده‌اند که توانستند از تغییر هر پارادایم سیاسی و اجتماعی که مستظهر به توان توده‌های مردم بود جلوگیری کند. دولت رئیسی هم از این قاعده مستثنا نیست. شاید مأموریت تازه به روحانیون برای حضور در جامعه و نهادهای اجتماعی همچون مدارس، بیمارستان‌ها، وزارتخانه‌ها بیش از آنکه برای تبلیغ و ارشاد توده‌ها باشد، حضور فیزیکی در بدنه جامعه است. حضوری که تاکنون با واکنش‌های منفی روبه‌رو شده است و این واکنش‌ها نشان می‌دهد این اقدام روحانیون برای هماهنگ‌سازی با آحاد جامعه کمی دیر هنگام است. اینک جامعه ایران نه به‌واسطه تغییر دولت‌ها، بلکه به دلیل شرایط بحرانی آن در حال تغییر پارادایم است.

ادامه در صفحه ۷

«شرق» با نگاهی به آغاز ساخت مسکن ۲۵متری در ایران، بازار خانه‌های کوچک‌متر از در جهان را بررسی می‌کند

مزیت‌های مسکن اقتصادی

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



تیم ملی فوتبال ایران

«امیر» شاید، «ژنرال» هرگز بزرگ‌ترین فرصت تاریخ از کف تیم ملی رفت

تیم ملی فوتبال ایران تاریخی‌ترین فرصت ممکن در نیم‌قرن اخیر را به‌راحتی آب‌خوردن از دست داد. شاگردان امیر قلعه‌نویی که در نیمه‌نهایی جام ملت‌های آسیا با یک برتری مقابل قطر می‌توانستند به ۴۸ سال ناکامی در رسیدن به فینال جام ملت‌ها پایان دهند، با ارائه نمایشی پر حرف و حدیث، برای اولین بار در همین جام به میزبان باختند تا دوباره حسرت رسیدن به قهرمانی، بیش از گذشته طولانی شود. ایران در شرایطی در ورزشگاه «المامه» به مصاف قطر رفت که قریب به یک سال پیش هم در همین ورزشگاه، هواداران را از زرده‌خاطر کرده بود.

آن روزها تیم ملی در آخرین بازی مرحله گروهی جام جهانی فقط به یک تساوی با آمریکا نیاز داشت تا برای اولین بار در تاریخ طعم حضور در مرحله حذفی جام جهانی را بچشد. شاگردان وقت کارلوس کی‌روش ولی درست مشابه بیشتر بزنگاه‌های مهم، آن فرصت حساس را از دست دادند تا با قبول شکست یک بر صفر مقابل آمریکا، شانس حضور در مرحله بعدی را از دست بدهند. این بار قریب به بیش از ۳۶۵ روز بعد، دوباره در «المامه»، تیم ملی حسرت به دل باقی ماند. در شرایطی که قطر ۱۴ سال بود نمی‌توانست ایران را شکست دهد، به این طلسم پایان داد و ۳ بر ۲، برنده از زمین خارج شد و ایران را از گردونه جام بیرون راند. آن شکست در حالی رقم خورد که تیم ملی ایران در یکی از ضعیف‌ترین

یادداشت

انتظار از پرورش یافتگان طرح «کاد» سیاسی



مهرداد احمدی‌شیخانی

در کشور ما در این ۴۵ سال، وضعیت عجیبی حکمفرما بوده و آن‌طور که پیداست، تنها تا امروز بلکه قرار است تا سال‌ها این وضعیت همچنان ساری و جاری باشد و آن هم «اختراع مجدد چرخ» است. به طوری که انکار قرار است همیشه آنچه را دیگران آزموده‌اند، ما هم بیازماییم و البته گاهی اصرار داریم حتی اگر آنچه را دیگر جوامع آزموده‌اند و پی به اشتباه‌بودنش برده‌اند، ما هم اگر دوباره آزمودیم و نتیجه نگرفیم، نه آنکه آن را کنار بگذاریم بلکه گویا به آن بی‌نتیجگی افتخار کنیم یا دست‌کم تا سال‌ها بر آن پای بفشاریم و فرصت‌های بی‌شماری را بسوزانیم و بعد وقتی از آن اختراع دوباره چرخ که نه دایره، بلکه به چرخ دوزنقه رسیدیم، آن را خیلی بی‌سروصدا کنار بگذاریم و شتر دیدی ندیدی، می‌رویم سر اختراع مجدد یک چرخ دیگر و جالب آنکه این تکرار اختراعات را به‌عنوان دستاورد جا می‌زنیم. نمونه‌اش هم کم نیست. مثالی می‌زنم تا داغ دل‌تان تازه شود. نمی‌دانم یادتان هست یا نه، گمان می‌کنم اواسط دهه ۶۰ بود که آموزش و پرورش طرحی را برای آموزش و درعین‌حال پرورش دانش‌آموزان در پیش گرفت به نام «طرح کاد». قرار

روزهای دفاعی‌اش، ۱۴ بار به رقیب همسایه فرصت داد تا به سمت دروازه‌اش ضربه بزند و از همه عجیب‌تر اینکه بیش از نیمی از این ضربات، یعنی هشت ضربه در چارچوب بود. شگفتی خلق‌شده از سوی قطری‌ها در این زمینه وقتی رقم خورد که آنها سه تا از این ضربات را به تور چسباندند و حسرت ایران برای رسیدن به قهرمانی دوباره در آسیا را به ۵۱ سال رساندند. شاید برای بررسی آنچه بر تیم ملی در این جام رفت، نیاز به سیاه‌کردن صفحات متعددی باشد ولی تا آن زمان، فقط کافی است عملکرد امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی را زیر ذره‌بین برد تا مشخص شود او چقدر از «ژنرال» بودن، روی نیمکت تیم ملی فاصله گرفته است. شاید بی‌انصافی است که در این مقطع زمانی، پیروزی مقابل ژاپن نادیده گرفته شود و شکست برابر قطر بررنگ به چشم آید ولی چشم‌بستن بر واقعیت موجود هم هرگز کمکی به پیشرفت فوتبال ایران نکرده و نمی‌کند. ماحصل در همین یکی دو گزاره نهفته است؛ ایران بعد از ۱۹ سال، به طلسم نبردن ژاپن پایان داد و تیمی را برد که به نظر شکست‌ناپذیر می‌آمد. باوجود این تیم ملی بعد از ۱۴ سال مقابل قطر شکست خورد. این به آن یکی در ولی باز در دل همین بدهستان هم «درد» اصلی نهفته است؛ چرا تیمی مثل ایران با آن همه ستاره، از ابتدای جام تا روزی که شکست خورد، سینوسی عمل کرد؟ تیم قلعه‌نویی بازی برابر فلسطین خوب بود، برابر هنگ‌کنگ بد. بازی مقابل امارات را عالی اداره کرد ولی برابر سوریه شانس آورد که در همان مرحله یک‌هشتم‌نهایی از گردونه رقابت‌ها کنار نرفت. در دیدار برابر ژاپن عالی بود ولی دوباره در دیدار مقابل قطر عملکرد بحث‌برانگیزی داشت.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

یادداشت

بر این بود که دانش‌آموزان دبیرستانی، در مدت چهار سال دبیرستان آن موقع، یک روز در هفته را به دبیرستان نروند و به جایش بروند در یک کارگاه، سازمان یا اداره‌ای و کار حرفه‌ای را تجربه کنند تا پس از پایان دوره دبیرستان، در یک کاری هم ورزیده بشوند. نام «کاد» را هم از ابتدای دو کلمه «کار» و «دانش» اخذ کرده بودند. خلاصه داستان هم این شد که خانواده‌ها می‌گشتند تا یک کارگاه یا شرکت یا چیزی در همین حدود را پیدا کنند تا بلکه فرزند دلبندشان، یک روز در هفته به آنجا برود و یعنی کاری یاد بگیرد. نتیجه هم که معلوم است چه می‌شود. آموزش یک روز در هفته و ناپیوسته که گاهی هم یا به تعطیلی می‌خورد یا به دلیلی دیگر با فاصله طولانی هر مرحله آموزش تا مرحله بعد روبه‌رو می‌شد، خیلی زود، بی‌ثمر بودن طرح را نشان داد؛ آن‌هم وقتی که حتی قبل از اجرا با کمی حساب‌و‌کتاب می‌شد فهمید که حاصل آن چه می‌شود؛ ولی خب چاره‌ای هم نبود، وقتی قرار این است که ما جهان را متحول کنیم، باید یک چیز جدیدی که به عقل هیچ‌کس دیگر، در هیچ جای دیگر نرسیده عرضه کنیم تا نشان دهیم که ما «نوک پیکان تکامل» هستیم. خلاصه، آن طرح که با بوق و کرنا آغاز شده بود که بیا و ببین که چه در هفته و ناپیوسته که گاهی هم یا به تعطیلی می‌خورد یا به دلیلی دیگر با فاصله طولانی هر مرحله آموزش تا مرحله بعد روبه‌رو می‌شد، خیلی بی‌سروصدا جمع شد و رفت به بابکانی باقی چرخ‌های شق‌الکرده کردیم. خیلی بی‌سروصدا جمع شد و رفت به بابکانی باقی چرخ‌های اختراع‌شده پیش و پس از خود؛ کسی هم بابت این چنین طرحی، نه توبیخ شد و نه درس گرفت که راهی که دیگران سال‌هاست رفته‌اند، لزومی ندارد که ما از اول و حتی چندین کیلومتر قبل از اول، دوباره برویم.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت

بهمن ۵۷ و آرمان برابری فرصت‌ها



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

ایجاد فرصت برابر برای همه اعضای جامعه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی بود که در دهه ۵۰ ذهن انقلابیون را که طالب ایجاد تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی کشور بودند، به خود مشغول کرده بود. فرصت برابر برای آموزش و شکوفایی استعدادها، فرصت برابر برای ثروت‌اندوزی و کسب مال حلال، فرصت برابر برای رشد و توسعه مناطق محروم کشور، همه و همه آرزوهایی بودند که دلسوزان آن روزهای کشور را به تحرک و تلاش وامی‌داشتند. از نگاهی دیگر، اتفاقاً همین مبحث یکی از عوامل اصلی توفیق جریان انقلاب در جذب گسترده توده‌های مردم و شکل‌گیری بزرگ‌ترین و شکوهمندترین نهضت مردمی عصر حاضر بود. شروع فعالیت‌های عمرانی و رفاهی در مناطق محروم کشور که با عنوان جهاد سازندگی از همان روزهای نخست استقرار حکومت انقلابی محقق شد، هدف زدودن آثار محرومیت از مناطق روستایی و دورافتاده کشور را که رنجور از بی‌توجهی طولانی حاکمان بودند، دنبال می‌کرد و تجلی همین آرزو و آرمان انقلابیون بود. حجم باورنکردنی فعالیت‌های راه‌سازی و گسترش شبکه آب و برق و مخابرات در سال‌های نخست انقلاب با وجود محدودیت‌ها و ناآرامی و جنگ داخلی بهترین شاهد این مدعاست. آرمان برابری فرصت‌ها به بهترین نحو در تدوین قانون اساسی نظام جدید مورد توجه قرار گرفت و قانون اساسی وظایف و تکالیف سنگینی را در این حوزه برعهده دولت و حکومت گذاشت.

ادامه در صفحه ۷



انتشارات شرق منتشر کرد